

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش تسنن دوازده‌امامی و تأثیر متقابل آن با تشیع در قرن نهم هجری

پوراندهخت رمضان جماعت / دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد / pouranramezanjamaat@gmail.com
ناصر جدیدی / استادیار تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد / naserjadidi@yahoo.com
تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۰۳

چکیده

پژوهش حاضر، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تسنن دوازده‌امامی در قرن نهم هجری و تأثیرات متقابل آن را در برابر تشیع بررسی می‌کند. تلاش نگارندگان بر آن است تا به این پرسش جواب داده شود که چه عواملی در شکل‌گیری اولیه و توسعه تسنن دوازده‌امامی در این قرن مؤثر بوده و تسنن دوازده‌امامی و تشیع، چه تأثیرات متقابلی بر یک‌دیگر داشته‌اند. یافته‌های این پژوهش که به صورت توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، حاکی از این است که برچیده شدن خلافت عباسی به عنوان قدرتمندترین نهاد دینی اهل تسنن، سبب شد تا سایر گروه‌های مذهبی به ویژه شیعیان، مجال فعالیت در فضای خاص سیاسی آن دوران را یافته، به تدریج بر تعداد پیروانشان افزوده شود. در کنار این امر، فراگیر شدن نهضت‌های صوفی در ایران با توجه به تسامح مذهبی تیموریان، نوعی خاص از تفکر جدید را به وجود آورد که سعی داشت تا ضمن پای‌بندی به اصول مذهب تسنن، توجه ویژه‌ای به امامان شیعه علیهم‌السلام داشته باشد و روند متعادلی در هم‌زیستی تسنن و تشیع در ایران به وجود آورد که با عنوان تسنن دوازده‌امامی شناخته می‌شود. در این بین تصوف به عنوان حلقه واسط، جریانی شد که حاصل آن گذر مذهبی ایران از تسنن محض به تشیع در حد فاصل سده‌های هفتم تا نهم هجری بود.

کلیدواژه‌ها: تسنن دوازده‌امامی، تشیع، قرن نهم، تیموریان، تصوف.

مقدمه

بی‌شک دین و اعتقادات مذهبی، از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مسائل تاریخ مردم و حکومت‌های قبل و بعد از اسلام بوده است؛ بدین‌جهت، اغلب جنبش‌ها و نهضت‌های تاریخ ایران، رنگ و بوی مذهبی داشته‌اند و دین همواره یکی از عوامل مهم وحدت‌بخشی مردم ایران بوده است. پس از نفوذ اسلام و پذیرش آن توسط ایرانیان، جامعه ایران نیز بخشی از جهان اسلام به شمار آمد و به تبع آن، مذهب غالب یعنی تسنن را پذیرفت؛ ولی این مانع از آن نشد تا مذاهب دیگر اسلامی مانند تشیع در رویکردهای مختلف آن ظهور نکنند؛ به‌طوری‌که در طول تاریخ ایران، تشیع به‌صورت اقلیتی بانفوذ در مقابل اکثریت تسنن، با فراز و فرودهای زیادی ادامه حیات داده تا این‌که به تدریج از قرن نهم هجری، دوران ضعف خود را پشت‌سر گذاشت. در این دوره، به دلیل خلأ یک حکومت مرکزی نیرومند و با توجه به تسامح مذهبی رواج‌یافته در دوران ایلخانان و تیموریان، نهضت‌ها و طریقت‌های شیعی شکل گرفتند و توانستند خواسته‌های خود را در اغلب موارد به کرسی بنشانند و پس از قرن‌ها مبارزه و شکست و پیروزی‌های متعدد، بالأخره با روی کار آمدن صفویان به یک پیروزی قاطع برسند. به همین جهت، بررسی این دوره و تحولات مذهبی آن که به غلبه شیعه بر تسنن رسمی در ایران انجامید، در تاریخ مذهبی ایران حائز اهمیت تحقیق است.

تاکنون دلایل بسیاری درباره رشد تشیع در قرن نهم بیان شده؛ از جمله: تسامح مذهبی دولت تیموریان، وجود حکومت‌های محلی شیعی در گوشه و کنار ایران، تلاش‌های عالمان شیعی در گسترش این مذهب و گسترش تصوف به عنوان فصل مشترک تشیع و تسنن. شاید هر یک از این عوامل در جای خود، محرک مهمی در انتقال مذهب رسمی کشور از تسنن به تشیع به شمار رود، ولی بی‌شک مهم‌ترین عامل فراگیر شدن مذهب تشیع در ایران، وجود گرایش مثبت به سمت اهل‌بیت علیهم‌السلام در میان توده‌های

مردم بوده است که از ابتدای ورود اسلام به این سرزمین وجود داشته و با گذر زمان، شکل تازه‌ای از آن نمود یافته است. این پدیده که از آن با نام تسنن دوازده‌امامی یاد شده، به ویژه در دوره تیموریان (۷۷۱-۹۱۱ق) و با توجه به گرایش مثبت آن‌ها به ائمه معصومین علیهم‌السلام و سادات، در آثار شعرا و دانشمندان آن زمان نمود یافته که از آن جمله می‌توان به پدیده روضه‌خوانی اشاره کرد که ناشی از تألیف کتاب روضه‌الشهدای ملاحسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ق) بود.

در واقع این پژوهش، مبتنی بر طرح این دو سؤال است:

۱. چه عواملی در شکل‌گیری اولیه و توسعه تسنن دوازده‌امامی در این قرن مؤثر بوده

است؟

۲. تأثیر متقابل تشیع و تسنن دوازده‌امامی بر یک‌دیگر به چه صورت بوده است؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان عنوان داشت، وجود گرایش تسنن دوازده‌امامی در نقاط مختلف سرزمین ایران، یکی از دلایل مهم فراگیر شدن مذهب شیعه پیش از روی کار آمدن حکومت صفویان است.

مسئله همواره در مرز دانش و فاصله بین معلومات و مجهولات بشری شکل می‌گیرد. مسئله این پژوهش تسنن دوازده‌امامی است. با بررسی حوادث تاریخی قرن نهم هجری و ظهور پدیده‌ای که در تاریخ‌پژوهی جدید به عنوان تسنن متشیع یا دوازده‌امامی شناخته می‌شود، می‌توان بین آن و رشد و گسترش تشیع در این قرن، ارتباط منطقی بیان کرد و تأثیرگذاری دو پدیده در یک‌دیگر را تجزیه و تحلیل نمود. «تسنن دوازده‌امامی در قرن نهم» در این پژوهش به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است که تأثیر آن بر متغیر وابسته یعنی «رشد و گسترش تشیع»، به صورت کیفی تجزیه و تحلیل خواهد شد. البته در این میان، گریزی به دیگر عوامل دخیل در گسترش تشیع در قرن نهم هجری خواهیم زد که به صورت متغیر مداخله‌گر «اوضاع اجتماعی، سیاسی و مذهبی ایران در قرن نهم هجری» در مقاله متجلی خواهد شد.

تاکنون پژوهش‌هایی چند درباره گسترش تشیع در قرن نهم هجری به نگارش درآمده و در هر کدام، سعی شده یکی از عوامل تأثیرگذار این موضوع بررسی گردد. اما کم‌تر پژوهشی می‌توان یافت که به طور خاص به بررسی پدیده تسنن دوازده‌امامی و تأثیر آن بر گسترش تشیع پرداخته باشد؛ در حالی که حب خاندان اهل‌بیت علیهم‌السلام تقریباً از ابتدای ورود اسلام به ایران در میان مردم این سرزمین وجود داشته، اما این نوع از مذهب که به شکل نوعی خاص از تسنن متشیع جلوه نموده و در اصطلاح تسنن دوازده‌امامی نامیده می‌شود، به ویژه در دوره تیموری (۷۷۱-۹۱۱ق) فرصت مناسبی برای ابراز وجود یافت و حتی مکتوباتی چند در این زمینه به رشته تحریر درآمد. اگرچه نمی‌توان حب اهل‌بیت علیهم‌السلام را عاملی برای گرایش به تسنن دوازده‌امامی یا نوعی خاص از تسنن متشیع دانست، زیرا حب خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که از ابتدای ورود اسلام به ایران در میان مردم ایران وجود داشت، با حب اهل‌بیت در دیگر سرزمین‌های اسلامی تفاوتی نداشت و بسیاری از اهل‌سنت ایران، قرن‌ها در کنار محبت اهل‌بیت، تعصب بالایی در تسنن داشتند، اما این عامل در قرن نهم هجری، تفاوت عمده‌ای با قرون نخستین اسلامی پیدا کرد و با قرار گرفتن در کنار عوامل مهمی نظیر سقوط خلافت عباسی، تسامح مذهبی امرای ایلخان و تیموریان و نزدیکی تصوف و تشیع، به دلیل وضعیت خاص سیاسی - اجتماعی این قرن، خود عاملی مهم در تبدیل مذهب ایرانیان از تسنن به تشیع شد.

در تدوین این پژوهش، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده خواهد شد. تلاش نگارنده بر آن است تا مطالب جسته و گریخته را از لابه‌لای منابع تاریخی جمع‌آوری کند و پس از بررسی و تجزیه و تحلیل یافته‌ها، در قالب یک مقاله منسجم، مسأله‌مند و با روش تحقیق مناسب، به رشته تحریر درآورد که با توجه به مدل کیفی پژوهش، نتایج به صورت توصیفی و همراه با تحلیل بیان می‌گردد. شایان ذکر است که روش جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای و با بهره‌مندی از منابع دست‌اول است.

پیشینه پژوهش

اصطلاح تسنن دوازده‌امامی، یک عنوان جدید در تاریخ‌پژوهی ایران است و این عنوان در منابع تاریخی، به ویژه سده‌های هفتم تا دهم هجری که دوران اوج‌گیری این نوع تفکر مذهبی است، نیز به این شکل به چشم نمی‌خورد. در واقع ارائه این عنوان، تعریفی کوتاه از روند گذر مذهبی تسنن به تشیع در طی ادوار مختلف در ایران است که نخستین بار در نشریه فرهنگ ایران‌زمین نوشته استاد محمدتقی دانش‌پژوه بیان گردید. (دانش‌پژوه، ۱۳۴۴، ج ۱۳، ص ۳۰۷) اما اوج تبیین این عنوان در آثار دکتر رسول جعفریان به چشم می‌خورد و تقریباً می‌توان اظهار داشت که تمام آثار بعدی در این زمینه با محوریت اندیشه وی نوشته شده است.

جعفریان نخستین بار نه در یک اثر تألیفی، بلکه در تصحیح کتاب وسیله الخادم الی المخدم در شرح صلوات چهارده معصوم علیهم‌السلام نوشته فضل‌الله روزبهان از این عبارت استفاده می‌کند که از جمله آثار تألیف‌شده در قرن نهم هجری و منطبق با موضوع مورد بحث است. مصحح، کتاب مورد نظر را یکی از بهترین شاخص‌ها در تسنن دوازده‌امامی معرفی می‌کند و ابن‌روزبهان را نمونه‌ای از یک سنی دوازده‌امامی می‌داند. وی هم‌چنین گزارش مختصری از روند شکل‌گیری و پیشرفت این تفکر از سده‌های نخستین اسلامی تا ظهور دولت صفوی بیان می‌کند که بیش‌تر بر پایه معرفی آثار حدیثی است که نویسندگان سنی‌مذهب با نگارشی احترام‌آمیز نسبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام نگاشته‌اند. (خنجی، ۱۳۷۵، ص ۳۳) وی هم‌چنین در دیگر آثار خود شامل کتاب و مقالات، در این خصوص اشاراتی داشته است که می‌توان به شرح ذیل از آنان نام برد:

- تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی: وی در این اثر، گزارش مختصری از روند تغییر به تسنن متعادل و گرایش به تشیع را بیان می‌کند و آن را نوعی خاص از تشیع برمی‌شمرد. نگارنده اذعان دارد که کاربرد این لفظ برای آنان مناسب‌تر است، اما هیچ‌گاه از آنان با عنوان تسنن دوازده‌امامی یاد نشده است. (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۸۴۳) هم‌چنین در

اثنا‌ای این اثر، تألیفاتی را از قرن ششم هجری به بعد نام می‌برد که نویسندگان آن‌ها در عین این‌که سنی بوده‌اند، از ائمه معصومین علیهم‌السلام با احترام و نیکی در اثر خود یاد کرده‌اند. نظیر این مطلب در اثر دیگر جعفریان یعنی صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست نیز در وسعتی کم‌تر دیده می‌شود. (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۵)

- سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ترجمه پارسی ذوالعلیا نوشته احمد بن عبدالله بکری: جعفریان به عنوان مصحح در این کتاب، عنوان کرده است، با وجود این‌که نگارنده به مذهب تسنن اشتهاار دارد، متن کتاب حاکی از این است که وی به ولایت حضرت علی علیه‌السلام قائل بوده و این مطلب در همه جای کتاب وی مشهود است. جعفریان این مطلب را با عنوان تشیع سنی - ایرانی نام می‌برد و آن را مقدمه‌ای بر جریان تسنن دوازده‌امامی عنوان می‌کند. (بکری، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰)

به طور کلی می‌توان اظهار داشت در آثاری که نام برده شد، تسنن دوازده‌امامی به عنوان یک مبحث فرعی ذکر شده و موضوع اصلی پژوهش نبوده است. در مقاله پیش رو، تلاش بر این است تا به این پدیده نگاهی علمی شود و به علل و زمینه‌های شکل‌گیری آن و تأثیری که در رشد تشیع در این قرن ایفا نمود، توجه گردد.

بازخوانی وضعیت اجتماعی، سیاسی و مذهبی ایران در قرن نهم هجری

مهم‌ترین شاخصه سیاسی در قرن نهم هجری، حکومت تیموریان بر ایران است. تیمور این حکومت را حدوداً سی سال قبل از آغاز قرن نهم پایه‌گذاری کرد و پس از مدت‌ها، ایران را از شیوه حکمرانی ملوک‌الطوایفی خارج ساخت و یک حکومت مرکزی به وجود آورد. اگرچه این حکومت ترک‌تبار بودند، به تدریج فرهنگ ایرانی بر آن غالب گردید. با این‌که تیمور ظاهراً مسلمان متعصب به شمار می‌رفت، با توجه به نژاد مغولی او و احترامی که به خاندان چنگیز داشت، حکومت خود را دنباله حکومت مغولان قلمداد می‌کرد. او با تلفیق قسمتی از یاسای مغولی با قوانین اسلامی، قواعدی را ترتیب داد که به «تزوک تیموری» معروف است. (رفیعی، ۱۳۷۵، ص ۶۴)

بنای حکومت تیموری بر اساس سنت‌های مغولی بود، اما پس از مرگ وی و به ویژه در دوران پس از حکومت شاهرخ که حکومت مرکزی تیموری از میان رفت و تنها به حکومت هرات منحصر شد، این شیوه حکومتی نتوانست بر آن اساس باقی بماند. تفاوت اساسی ساختار حکومتی جانشینان تیمور با خود او، استفاده از قوانین اسلامی به جای قوانین مغولی (یاسا) بود که طی فرمان شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ق) در سال ۸۱۵ قمری قوانین یاسا لغو و فقه اسلامی جایگزین آن گردید. (ابن عربشاه، ۱۳۳۹، ص ۲۹۷) پس از او نیز بیشتر فرمان‌روایان تیموری، از جمله ابوسعید و سلطان حسین بایقرا، به رعایت سنت‌های اسلامی پای بند ماندند. (ابن عربشاه، ۱۳۳۹، ص ۲۹۸) فزون‌خواهی‌های شاه‌زادگان، یکی از مختصات بارز دوره تیموری است که اغلب آن‌ها به قلمرو تحت حکومت خود بسنده نمی‌کردند و به محض احساس قدرت، به جنگ عمو یا عموزادگان و حتی برادران خود می‌شتافتند و پس از کسب قدرت اعلام استقلال می‌کردند.

حکومت تیموری در دورانی پای در عرصه سیاست نهاد که جهان اسلام به ویژه جامعه اهل تسنن، با از دست دادن تکیه‌گاه اصلی‌شان (خلافت عباسی) در پی هجوم مغول وضعیتی ویژه را تحمل می‌کردند؛ زیرا بعد از انقراض سلسله ساسانی توسط اعراب، جامعه ایرانی جدا از اسلام هیچ دوره تاریخی را تجربه نکرده بود. این فرصت زمینه و بستری را فراهم آورد که عقاید و مذاهبی که تاکنون در جامعه از آزادی‌های بسیار محدود برخوردار بودند، بتوانند آزادانه به گسترش افکار و عقایدشان بپردازند و زمینه‌ای را فراهم آورد که به تدریج اختلافات مذهبی تا حدودی کنار رود و نوعی توافق مذهبی در میان اقوام ساکن در ایران به وجود آید. جای‌شناسی مذهبی ایران در سده‌های هشتم و نهم، حاکی از این مطلب است که اکثر مردم در مراکز شهری اهل سنت بودند، اما شیعیان در برخی شهرها جایگاهی ویژه داشتند. در کنار این فرقه‌ها، تصوف نیز به ویژه پس از حمله مغول، هواداران بسیاری در شهرهای مختلف به دست آورده بود. در واقع می‌توان اذعان داشت که تیمور در اندیشه سیاسی برای رسیدن به قدرت مطلق خود از اندیشه تقریباً مشابهی با خلیفه عباسی (ناصرالدین لله) استفاده نمود. (ترکمنی‌آذر، ۱۳۹۰، ص ۱۹۹)

شکل‌گیری مرام تسنن دوازده‌امامی در ایران

یکی از تحولات مهم فکری - مذهبی ایران پس از قرن هفتم تا روی کار آمدن دولت صفوی، آن بود که به تدریج اختلافات مذهبی، تا حدودی از بین رفت و نوعی مسالمت مذهبی میان اقوام ایرانی پدید آمد. این موضوع، صرف نظر از آن که باعث کاهش اختلافات مذهبی شد، نوعی تعدیل در تسنن موجود نیز به وجود آورد و سبب گرایش نسبی آن به مذهب تشیع شد. این نگرش که از طریق محبت اهل بیت علیهم‌السلام به وجود آمد پس از سقوط خلافت عباسی، به تدریج جای خود را باز کرد. اندک‌اندک شرح حال امامان علیهم‌السلام با ادای احترام نسبت به آنان و در مواردی با به کار بردن لفظ امام برای آن‌ها در کتاب‌های اهل سنت وارد گردید و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل بیت نیز پذیرفته شد.^۱

بررسی فضای فرهنگی جامعه اهل تسنن ایران در قرن نهم، بیانگر این موضوع است که به جز در برخی موارد، در میان برخی از آنان این عقیده وجود داشت که می‌توان حد وسطی بین مقدسات این دو مذهب ایجاد کرد و به تمامی آنها اعتقاد داشت.^۲ عنوانی که می‌توان آن را همان تسنن شیعه‌گرا یا تسنن دوازده‌امامی نام برد که رویمر آن را نوسان میان تشیع و تسنن، بسط طریقت‌های صوفیانه و به ویژه رواج گسترده تکریم و تقدیس ائمه می‌داند. (رویمر، ۱۳۸۵، ص ۲۸۴-۲۸۵) شاید بتوان سده‌های هشتم و نهم هجری را نقطه اوجی بر این نوع تفکر به شمار آورد و آن را به مثابه دوران گذر ایران از تسنن محض به تشیع دوازده‌امامی تلقی کرد. هرچند عوامل بسیاری بر این تحول فکری نقش اساسی داشته، شاید بتوان چهار عامل را اصلی‌ترین علل این موضوع برشمرد:

۱. سقوط خلافت عباسی؛ ۲. گسترش تفکر شیعی در ایران؛ ۳. تسامح مذهبی حاکمان تیموری و گرایش آنان به تشیع؛ ۴. نزدیکی تصوف و تشیع.

۱. در آخرین بخش مقاله به تعدادی از این آثار اشاره خواهد شد.

۲. مانند حمدالله مستوفی در تاریخ‌گزیده و خواجه محمدپارسا در فصل الخطاب که شرح حال خلفا و امامان را با هم ذکر کرده‌اند. البته در قرن نهم، آثار دیگری نیز به این صورت نگارش یافته که در آخرین بخش مرور خواهد گردید.

سقوط خلافت عباسی

تا قرن هفتم هجری، به دلیل وجود خلافت عباسی و حکومت‌های مدافع مذهب تسنن، نفوذ تشیع در ایران به آهستگی صورت پذیرفت. اما با سقوط خلافت عباسی و روی کار آمدن حکومت‌هایی نظیر ایلخانان و به ویژه تیموریان که رویکرد مسامحه در برابر مذاهب مختلف در پیش گرفتند، زمینه برای تبلیغ آزادانه دیگر مذاهب به ویژه تشیع فراهم گردید.

سقوط بغداد به دست مغولان در سال ۶۵۶ قمری، به عنوان یک سرفصل مهم در تاریخ شرق اسلامی شناخته شده و اهمیت آن چندان است که بسیاری «تاریخ اسلام» را در معنای عمومی و رایج آن، تا این زمان، یعنی سال سقوط عباسیان می‌دانند. مهم‌ترین ویژگی این رخداد، برافتادن خلافت عباسیان و افتادن آن به دست یک امپراتوری غیرمسلمان با نام سلسله ایلخانی است که سبب شد خلافت، برای همیشه از حوزه سیاسی ایران و به طور کلی نواحی شبه‌قاره و ماوراءالنهر رخت بریندد و سلطنت‌های کوچک و امیرنشین جایگزین آن شود. به دلیل فساد دستگاه اداری و نظامی عباسیان، و اصولاً نبودن انسجام و عصبيت قومی در شرق اسلامی، مقاومت چندانى برابر مغولان صورت نگرفت و آنان توانستند بنیاد خلافت را براندازند. شیعیان در ماجرای فتح بغداد، در مقابل فراوانی سنیان، جمعیت چشم‌گیری نبودند و بیش‌تر ساکنان ایران و عراق در این دوره، سنی‌مذهب بودند.

شیعیان در این زمان، به اندازه‌ای فرصت یافتند تا از فشارهایی که از جانب عباسیان بر آن‌ها وارد می‌شد، رهایی یابند و برای تعدیل و کاستن از ظلم و توحش مغولان، به دستگاه حکومتی آن‌ها نزدیک شوند و مقام و موقعیتی برای خود دست و پا کنند؛ نقش مهمی که در به ثمر رساندن فتح بغداد و سقوط دستگاه عباسی داشت. (بیانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۹۲-۵۹۳) بزرگانی از شیعه نظیر خواجه‌نصیر طوسی، موفق شدند به دولت ایلخانی مغول وارد شده، تعداد زیادی از علما و آثار علمی را از خطر نابودی نجات دهند و علاوه بر آن، مغولان خشن و انعطاف‌ناپذیر را به اسلام متمایل کنند. در

دوره زمام‌داری ارغون، فرصت مناسبی برای شیعیان فراهم شد و این به سبب آن بود که وی بیش از هر شاه‌زاده دیگر ایلخانی، خطر نابودی فرهنگ شمنی یاسایی را به دست ایرانیان صاحب‌مقام احساس می‌کرد. او برای تجدید حیات یاسا و نیروی طبقه اشراف فتوادل ایلی در برابر طبقه دیوانی می‌کوشید و در این راه به ناچار به مخالفت با اهل سنت می‌پرداخت. از این رو، شیعیان در سایه چنین وضعیتی آرامش یافتند. از میان اطرافیان سلطان ارغون، علمای شیعه معتبر و مشهوری بودند که در انتظار فرصتی بودند تا به ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بپردازند. از جمله آنان می‌توان قوام‌الدین ابوظاهر احمد الطاووس علوی حسینی را نام برد که در آن دوران، امیرالحاج بود و شهرت و ثروت فراوانی داشت. (ابن‌الفوطی، ۱۹۶۲، ص ۲۳۲) امیرالحاج بودن یک شیعه در آن زمان، نشان‌دهنده قدرت رو به رشد تشیع بود.

گسترش تفکر شیعی در ایران

روند ورود جریان‌های شیعی به ایران را تقریباً باید از زمانی معاصر با ورود اسلام به ایران بررسی کرد. نخستین نشانه‌های جریان تشیع در ایران، مربوط به مهاجرت اعراب اشعری به شهر قم است که باعث تثبیت این شهر به عنوان کانون تشیع در ایران گردید. در کنار قم، شهرهای دیگر نظیر کاشان و بیهق نیز به عنوان کانون‌های تشیع ایران در سده‌های نخستین اسلامی به شمار می‌رفتند. مردم ایران از آغاز اسلام، با بنی‌امیه دشمنی کرده و با علویان هم‌دردی نموده بودند که حضور فعال موالی و ایرانیان در قیام‌های سیاسی - مذهبی بر ضد این دولت خود مؤیدی بر این موضوع است. روی کار آمدن حکومت‌های شیعی نظیر علویان در طبرستان و آل‌بویه نیز نقش مهمی در گسترش تفکر شیعی در ایران اسلامی سده‌های چهارم و پنجم هجری ایفا نمود. در واقع می‌توان ادعا کرد اگر چیرگی حکومت‌های متعصب سنی‌مذهب نظیر غزنویان و سلجوقیان نبود شاید رسمی شدن مذهب تشیع در ایران بسیار زودتر از صفویان رخ می‌داد.

آغاز قرن نهم هجری، مقطع حساسی در تاریخ تشیع ایران به شمار می‌رود؛ از یک سو حکومتی در ایران بر سر کار بود که تسامح مذهبی از بارزترین شاخصه‌های آن بود. این موضوع به ویژه در میان جانشینان شاهرخ کاملاً مشاهده می‌گردد و حتی گرایش‌هایی به تشیع از آنان در تاریخ ثبت شده است.^۱ زیارت امام رضا علیه السلام را نمی‌توان دلیلی واضح بر گرایش به تشیع به شمار آورد، زیرا زیارت آن حضرت از قرن‌ها پیش میان اهل سنت منطقه کاملاً رواج داشته است؛ اما بررسی تاریخی موضوع، نشان می‌دهد این حجم توجه سردمداران یک حکومت به مسأله زیارت امام رضا علیه السلام تا پیش از حکومت تیموری بدین صورت سابقه نداشته است. هرچند در منابع از زیارت این بقعه توسط آلب ارسلان سلجوقی یاد شده است (خواندمیر، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۴۸۹)، توجه ویژه امیران تیموری به این موضوع، با تمامی ادوار گذشته متفاوت بوده است. جدای از این عامل، بروز جریان‌های شیعی مانند تلاش‌های خواجه نصیر طوسی و علامه حلی در سال‌های قبل، باعث شده بود تا شیعه از جریان مخفی پیش از حمله مغول خارج شود و خود را به عنوان یک نیروی قدرتمند، در عرصه منازعات مذهبی نشان دهد که نقطه اوج این مطلب را در شیعه شدن اولجایتو ایلخان مغول (۶۸۰-۷۱۶ق) می‌توان نشان داد. علاوه بر آن، در پایان حکومت مغولان، دولت‌هایی با رنگ و بوی شیعی در سرتاسر ایران تشکیل شد که می‌توان به سرداران در خراسان، مرعشیان در مازندران، کیاییان در گیلان، مشعشعیان در خوزستان و لرستان، قره‌قویونلوها در آذربایجان و در عراق و فارس اشاره کرد که هر یک برای رواج تشیع تلاش داشته‌اند.

حمدالله مستوفی در *نزهة القلوب*، کامل‌ترین گزارش‌ها را درباره جغرافیای مذهبی سده‌های هشتم و نهم هجری در ایران ارائه می‌دهد. نویسنده مهم‌ترین کانون‌های شیعه‌نشین

۱. نظیر زیارت امام رضا علیه السلام توسط شاهرخ و آویختن قندیلی از هزار مثقال طلا از سقف بارگاه (خواندمیر، ۱۳۳۳، ۶۳-۵۵۳)، زیارت بارگاه امام رضا علیه السلام توسط الغیبیک (خواندمیر، همان، ج ۴، ص ۲۸) و ضرب سکه به نام دوازده امام در دوران بابر. (سمرقندی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸)

ایران در قرن هشتم را شهرهای قم و کاشان ذکر می‌کند. (مستوفی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۰) وی هم‌چنین شهرهای دیگر نظیر بیهق، آوه، تهران و ورامین را از دیگر شهرهایی نام می‌برد که دارای جمعیت شیعه‌نشین بوده‌اند.

در طول تاریخ ایران پیش از حکومت صفویان، تنها در دو دوره آل‌بویه (۳۲۰-۴۴۷ق) و حکومت الجایتو ایلخان (محمد خدابنده) (۶۸۰-۷۱۶ق) و معدودی حکومت‌های محلی نظیر علویان (۲۵۰-۳۱۱ق)، سربداران (۷۳۶-۷۸۸ق) و مرعشیان (۷۶۰-۹۹۰ق) هست که شیعه، مذهب رسمی ایران اعلام شده و در بیش‌تر ادوار که حکومت‌هایی با ایدئولوژی مذهب تسنن بر سرکار بوده‌اند، شیعه اقلیتی چشم‌گیر به شمار می‌رفته است. البته عنوان شیعه در این مبحث، نه منحصر به فرقه امامیه بلکه در معنای کلی آن، کانون توجه قرار گرفته و شامل دیگر فرقه‌ها نظیر زیدیه و اسماعیلیه نیز می‌شود. به جز آل‌بویه و علویان، بقیه این حکومت‌ها در دوران پس از سقوط بنی‌عباس و به ویژه در دوران ملوک‌الطوایفی مجال بروز یافتند که خود نقش مؤثری در گسترش اندیشه‌های شیعی و تأثیر در تسنن داشته است.

علاوه بر حکومت‌های شیعی‌مذهب، فرقه‌های فکری با رویکرد تصوف متشیع نظیر حروفیه، مشعشعیه، نوربخشیه و نعمت‌اللهیه نیز نقشی بارز در انتقال رویکرد فکری ایران از تسنن به تشیع در قرن نهم هجری ایفا نمودند. به طور کلی می‌توان اظهار داشت، علیرغم سخت‌گیری‌های تیمور علیه شیعیان در آغاز حکومتش، دوره تیموری را باید عصر گسترش تشیع و گذر وضعیت مذهبی ایران از تسنن به تشیع در دوره صفوی دانست (حسین‌پور، ۱۳۸۶، ص ۶۵)؛ به گونه‌ای که با توجه به گرایش ایرانیان به تشیع در قرن نهم هجری، می‌توان اظهار داشت چنان‌چه صفویان اقدام به تأسیس دولت شیعی و به رسمیت شناختن مذهب شیعه نمی‌کردند، شاید در همین دوره یا کمی بعد از آن، چنین اقدامی توسط دیگران صورت می‌گرفت. (میرجعفری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳)

تسامح مذهبی تیموریان

یکی از ویژگی‌های خاص دولت تیموریان، برقراری تسامح مذهبی در طی حکم‌رانی آن بوده است. این امر تا بدانجا پیش رفته که بعضی با استناد به برخی رفتارهای تیمور، او را شیعه معرفی کرده‌اند. برای مثال، بارتولد درباره تیمور این چنین می‌نویسد:

موضوع دین و توجهات فوق‌العاده تیمور به روحانیون، به عقیده مورخین یکی از مسائل سیاسی روز بود که او را به مقاصد و هدف‌های سیاسی‌اش نزدیک‌تر می‌ساخت؛ همان شخصی که در سوریه، تعصب عجیبی نسبت به عالم تشیع و طرف‌داران حضرت علی علیه السلام از خود نشان می‌داد، در خراسان سنی‌گری را رواج می‌داد... (بارتولد، ۱۹۳۰م، ص ۴۴)

عجیب‌تر آن‌که سیدمحسن امین در اعیان‌الشیعه، وی را یکی از بزرگان شیعه معرفی کرده است. (امین، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۵۶) البته در این میان باید به نفوذ معنوی و شخصیت مذهبی سید برکه در جمع نزدیکان تیمور نیز اشاره نمود؛ با این حال به نظر می‌رسد که این اقدامات تیمور، بیش‌تر برای پیشبرد اهدافش بوده است.

تیمور را می‌توان از جمله حکمرانانی دانست که از دین به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی خود بهره می‌جست. او در عین این‌که با استناد به قرآن، مردم را به اطاعت بی‌چون و چرای خدا و رسول و اولوالامر (سلطان) وادار می‌کرد، به اصول و تعالیم اخلاقی قرآن و اسلام چندان پای‌بندی نشان نمی‌داد. او در جریان شورش مردم بی‌هق و طبرستان، همان‌گونه خشونت نشان می‌داد که در انتقام از مردم سنی هرات و اسفزار. (راوندی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۴) سیاست مذهبی تیمور در برخورد با پیروان مذاهب مختلف اسلامی، شیوخ و عرفا، اهل‌بیت و سادات، قابل بحث و بررسی است، به طوری که وی در تزوئات، به جانشین خویش سفارش کرد: «و مرتبه آل‌محمد را از جمیع مراتب برتر داری و تعظیم و احترام ایشان به جا آری و افراط در محبت ایشان اسراف ندانی که هر چه از برای خدا باشد، در آن اسراف نباشد». (حسینی تربتی، ۱۳۴۲، ص ۲۰۲) البته شاید بتوان دلیل این

موضوع را گرایش اوضاع اجتماعی و مذهبی شهرهای ایران به سمت تشیع دانست. (ترکمنی‌آذر، ۱۳۹۰، ص ۳۳۵)

سیاست جانشینان تیمور نیز تا حد بسیاری از سیاست وی نشأت گرفته بود، با این تفاوت که در دوران پس از تیمور، این تسامح از حالت ساختگی به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود و گزارش‌های متعددی درباره ارادت امیران تیموری به مقدسات آیین تشیع در تاریخ‌نگاره‌ها ثبت شده است. این رفتارها از زمان شاهرخ آغاز شد و در دوران بابر و سلطان حسین بایقرا به نقطه اوج خود رسید. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های مربوط به تسامح مذهبی تیموریان، توجه ویژه آن‌ها به مراکز دینی مورد توجه شیعیان نظیر حرم مطهر امام رضا علیه السلام بود. این مسأله، سبب شد تا شائبه گرایش آن‌ها به تشیع نزد برخی مورخان وجود داشته باشد. برای مثال، شاهرخ دوبار به زیارت امام رضا علیه السلام رفت و قندیلی از هزار مثقال طلا از سقف بارگاه آویخت. (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۳، ص ۵۵۳-۵۶۳) میرزا ابوالقاسم بابر نواده شاهرخ، علاوه بر نذر زیارت مشهد پس از مرگ در جوار حرم امام رضا علیه السلام دفن گردید (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۳، ص ۵۶-۵۷) و در دوران او برای نخستین بار، خطبه خواندن و ضرب سکه به نام دوازده امام رواج یافت. (سمرقندی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸) در دوره تیموری علاوه بر شاهان، برخی از نزدیکانشان نیز در این زمینه اقداماتی کرده‌اند که در رأس آن‌ها می‌توان به گوهرشاد اشاره نمود. البته به واسطه وابستگی گوهرشاد به خاندان قراقویونلو، احتمال شیعه بودن وی بسیار زیاد است و نظنزی نیز با قاطعیت آن را بیان کرده است:

بدان که گوهرشاد مسلماً شیعه امامیه بوده و در کمال اخلاص و حسن عقیده، مسجد گوهرشاد را بنا نهاده و لذا می‌توان گفت که این مسجد مقدس برای شیعه حائز اهمیت است. (نظنزی، ۱۳۳۶، ۶۵۸)

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: تمسک به مذهب، یکی از تلاش‌های عمده تیموریان در جهت کسب مشروعیتی بود که در راه حفظ سلطنت بدان نیاز داشتند. زمام‌داران تیموری، به خوبی دریافته بودند که تشیع و تصوف در جامعه آن روز ایران، در حال

گسترش بود و برای رسیدن به یک حکومت مرکزی دیگر بنا نیست بر پایه عقاید مذهبی دوره‌های قبل نظیر سلجوقیان رفتار نمود؛ پس کوشیدند تا علاوه بر ایجاد رابطه مثبت با متصوفه، با رفتارهای خویش، شیعیان را نیز به خود متمایل سازند تا از طریق آنان، پایه‌های حکومت خود را تقویت کنند. نتیجه این امر، تسامح مذهبی خاص دوره تیموری است که باعث شد مذاهب، فرصت مناسبی برای ترویج افکار و عقاید خود بیابند و به طور کلی می‌توان اظهار داشت این تسامح به نفع شیعیان بوده است. (ناصری داوودی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۲)

تصوف و تشیع

شاید بتوان یکی از اصلی‌ترین دلایل گسترش تفکر تسنن دوازده‌امامی را در قرن نهم فصل مشترکی دانست که تصوف میان شیعه و سنی ایجاد نمود. یک واقعیت فوق‌العاده مهم تاریخی درباره طریقت صوفیانه وجود دارد که باید در مقام تعامل با ایشان به آن توجه کنیم و آن این است که می‌توان بساط تاریخی تشیع را در حدود قرن هفتم تا دهم هجری کاملاً وام‌دار حرکت طریقت صوفیانه از تسنن محض به تسنن دوازده‌امامی و از تسنن دوازده‌امامی به تشیع دوازده‌امامی دانست. (توران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶) دوران تیموری را دوره اوج و شکوفایی نهضت صوفیانه می‌توان دانست؛ زیرا علاوه بر احترام خاصی که پادشاهان تیموری برای صوفیان قائل بودند، در سراسر کتاب حبیب‌السیر، هنگامی که خواندمیر به معرفی علما می‌پردازد، بخش زیادی از کتاب خود را به صوفیه نسبت داده و هم‌چنین از آنان با احترام یاد کرده است. (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۳، ص ۵۵۳-۵۶۳)

این‌که چگونه تصوف در تشیع اختلاط یافت، از جمله مباحثی است که همیشه سؤال پژوهش‌گران بوده است؛ برای مثال، نگارنده تاریخ ایران کمبریج، تمایل و نزدیکی میان تصوف و تشیع را از مکتب کبرویه می‌داند و به فعالیت‌های نجم‌الدین کبری (م ۶۱۸ق)، سنی شافعی مذهب اشاره دارد که عشق و ارادت خویش به اهل بیت علیهم‌السلام را در قالب مدایحی که در منقبت امام علی علیه‌السلام و اهل بیتش می‌سرود، ابراز می‌داشت. (بویل، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۵۱۸)

کامل مصطفی الشیبی در اثر خویش با عنوان تشیع و تصوف، یکی از علل نزدیکی این دو را به یک‌دیگر، طبیعت نوگرای آن‌ها در آن زمان می‌داند که سبب شد تا جنبش‌های فکری درآمیخته از این دو تفکر به وجود آید. وی مهم‌ترین گروه‌های فکری مؤید این نظریه را به شرح زیر نام می‌برد:

۱. فضل‌الله استرآبادی و طریقه صوفیانه - شیعیانه وی؛

۲. نعمت‌الله ولی و طریقت وی؛

۳. حافظ برسی و عقاید غلوآمیز شیعیانه وی؛

۴. احمد بن فهد حلی و اثر صوفیانه وی؛

۵. محمد بن فلاح و نهضت مشعشعی‌گری؛

۶. محمد نوربخش و طریقه نوربخشیه؛

۷. ملاحسین واعظ کاشفی و دو کتابش روضة الشهداء و فتوت‌نامه؛

۸. ابن ابی‌جمهور احسایی و نظریات فلسفی - صوفیانه وی.

البته الشیبی معتقد است که صوفیان این عصر، همگی جزو علویان بوده‌اند و طریقه‌هایی که در آن دوران به وجود آمد، آن‌قدر سرشار از نیرو و زندگی بوده که تا عصر حاضر ادامه یافته است. (الشیبی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۷)

آن‌چه سبب اختلاط تصوف و تشیع گردید، وجود نقاط تلاقی بود که بین این مذاهب وجود داشت. از میان آنان می‌توان به اشتراک در اسوه‌ها و الگوهای اشاره کرد که برای هر دو طرف قابل احترام به شمار می‌رفتند. همان‌طور که در مذهب تشیع، امامت به عنوان بالاترین مقام ولایی مطرح بود، در تصوف نیز مشایخ صوفیه از چنین جایگاهی برخوردار بودند. با توجه به این‌که امامان شیعه نیز برای صوفیان محترم بودند؛ برخی از عالمان صوفی شرح حال آنان را در کتاب‌های خویش نقل می‌کردند. مفهوم ولایت یکی از مفاهیم مشترکی بود که پل انتقال تأثیر و تأثر میان تشیع و تصوف به حساب می‌آمد. در این میان، شخصیت امام علی علیه السلام بهترین موضوع برای پیوند یادشده محسوب می‌شد. با اندکی تأمل درمی‌یابیم

که در این زمان، اکثر جنبش‌های صوفیه یا از ابتدا دارای ایدئولوژی شیعه بوده‌اند یا در جریان حوادث و به تدریج چنین رنگ و صبغه‌ای یافته‌اند. به همین جهت است که به موضوع ولایت، تحت تأثیر آموزه‌های شیعی توجه می‌شود. (جدیدی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶)

به هر روی، در جریان تأثیرگذاری متقابل تصوف و تشیع، اندک‌اندک مبانی نظری تصوف به مجموعه معارف شیعه افزوده شد؛ یعنی به جز فلسفه که جای خود را در معارف شیعه باز کرد، کم‌کم عرفان و تصوف نیز به تشیع نزدیک شد. تصوف در قرن هشتم و نهم، حلقه ارتباط تسنن و تشیع گردید و به پیدایش تشیع معتدل و تسنن متشیع انجامید. (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۸۷) از دیگر رفتارهای مشترک بین تشیع و تصوف، به موضوعاتی مانند توجه به ظاهر می‌توان اشاره نمود که در نزد هر دو گروه وجود داشته است. رسانیدن شجره صوفیان یا شجره خرقه به امام علی علیه السلام و این که صوفیه کوشیده‌اند به ویژه در اوضاع بحرانی و به عنوان مستمسک خود را به ایشان منتسب نمایند، از دیگر موارد این قرابت است، هرچند علمای شیعه برخی فرق آنان را به دلیل افراط و غلو، طرد کرده و به آنان بی‌توجه بوده‌اند. (جدیدی، ۱۳۹۵، ص ۹۷)

تأثیر تسنن دوازده‌امامی در آثار مکتوب قرن نهم هجری

پیش از این، دلایل شکل‌گیری تفکر تسنن دوازده‌امامی را از نظر گذرانیدیم. چنین جریانی که نفوذ فراوانی در ایران قرن هشتم و نهم داشته، زمینه مناسبی را برای پیروزی بعدی مذهب تشیع در این سرزمین، فراهم کرده است. در این زمان، گذر آرامی از تسنن به تشیع مشاهده می‌شود. ضمن این که وجود زمینه‌های مستعد در تصوف و اندیشه اجتماعی در حال تکوین، برخی علمای شیعه را بر آن داشت تا به بهترین صورت ممکن از این اوضاع به نفع تشیع و گسترش آن استفاده کنند. بر اثر این امر، به تدریج شرح حال امامان شیعه در کتاب‌های اهل سنت وارد گردید و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام نیز پذیرفته شد.

از مهم‌ترین جلوه‌های تسنن دوازده‌امامی در این قرن، به آثار نویسندگان این دوره می‌توان اشاره نمود. به طور کلی در این روش، شرح حال خلفا با امامان جمع شده و لفظ امام و در بعضی موارد امیرالمؤمنین، برای ایشان به کار رفته است. حمدالله مستوفی در تاریخ‌گزیده خود در تاریخ‌نگاری، این مطلب را رعایت کرده و شرح حال خلفا را با امامان یک جا فراهم آورده است. خواجه محمد پارسا (م ۸۲۲) رهبر صوفیان نقشبندی در کتاب فصل الخطاب، شرح حال امامان را مفصل آورده است. (پارسا، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶) درویش حسین کربلایی نیز همین کار را در کتاب روضات الجنان و جنات الجنان انجام داده است. فضل بن روزبهان خنجی (م ۹۲۷)، عالم سنی معروف اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم، در کتاب وسیلة الخادم الی المخدم، شرح حال چهارده معصوم علیهم‌السلام را آورده است. (خنجی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۵) عبدالرحمان جامی (م ۸۹۸ق) نیز از جمله نویسندگان و صوفیان نقشبندی این دوره است که در کنار پذیرش خلفای نخست و صحابه کرام، احترام خاصی نیز برای امامان شیعه قائل شده است. او در کتاب شواهد النبوه که به درخواست امیرعلیشیرنوایی نگاشته، شواهدی بر نبوت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده و سپس به کرامات سه خلیفه نخست پرداخته و در ادامه، کراماتی را در مورد ائمه شیعه گرد آورده است. (جامی، ۱۳۷۹، ص ۳۵۲-۴۰۵)

از دیگر کسانی که به زعم تاریخ‌نگاران در زمره سنیان دوازده‌امامی قرار دارد، می‌توان به ملاحسین واعظ کاشفی نویسنده روضة الشهداء اشاره نمود. از ویژگی‌های مهم این کتاب، قلم و بیان شیوای آن است؛ البته به دلیل داشتن محتوای ضعیف و بعضاً ناموثق، عالمان و محققان با آن مخالفت کرده و اعتراضات جدی به آن وارد ساخته‌اند. از دیدگاه منتقدان، مهم‌ترین اشکالات روضة الشهداء نگاه صوفیانه، نقل‌های نادرست و قصه‌گویی‌های کاشفی است. (واعظ کاشفی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸) البته توجه به این نکته نیز لازم است که این اثر کتاب تاریخ یا کتاب سیره اهل بیت نیست، بلکه کتابی است کاملاً صوفیانه و تفسیری است عرفانی از قیام امام حسین علیه‌السلام بر اساس تاریخ مقدس یا تاریخ نجات (Heilegeschichte) نه بر اساس تاریخ واقعی و این مخالفت‌ها و نقدهای اندک، بدین سبب بوده است که منتقدان اصلاً رویکرد کتاب را متوجه نشده‌اند.

نتیجه

با سقوط دولت بنی‌عباس در اثر هجوم مغولان و فضای مذهبی به وجود آمده در اثر فروپاشی مهم‌ترین رکن حمایتی مذهب تسنن در جهان اسلام، فرصت مناسبی برای ابراز عقاید و گسترش فعالیت‌های نحله‌های فکری مختلف به وجود آمد. این موضوع با توجه به تسامح مذهبی در دوره حکومت ایلخانان و سپس تیموریان شدت یافت؛ به گونه‌ای که در این دوره شاهد بروز نحله‌های فکری بسیاری به ویژه در مسلک اهل تصوف هستیم. رشد صوفی‌گری در این زمان و نزدیکی آن با تشیع، از جمله رویدادهای مهم مذهبی قرن نهم هجری است. در جریان تأثیرگذاری تصوف بر تشیع، اندک‌اندک مبانی نظری تصوف به مجموعه معارف شیعه افزوده گردید. تصوف در سده‌های هشتم و نهم هجری، حلقه ارتباط تسنن و تشیع شد و به پیدایش تشیع معتدل و تسنن متشیع انجامید. با فراگیر شدن نهضت‌های صوفی در ایران و توجه به تسامح مذهبی تیموریان، نوعی خاص از تفکر جدید به وجود آمد که سعی داشت تا ضمن پای‌بندی به اصول مذهب تسنن، توجه ویژه‌ای به امامان شیعه علیهم‌السلام داشته و روند متعادلی در هم‌زیستی تسنن و تشیع در ایران به وجود آورد. اختلاط تصوف و تشیع با توجه به این موضوع که بیشتر رهبران صوفی این زمان از جمله علویان به شمار می‌رفتند، باعث شد تا نوعی جمع‌بندی میان عقاید اهل سنت و تشیع به وجود آید که در اصطلاح به آن تسنن دوازده‌امامی اطلاق می‌گردد. این نوع تفکر به ویژه در آثار نویسندگان قرن نهم هجری دیده می‌شود که در آن ذکر خلفای اربعه، به همراه ائمه معصومین علیهم‌السلام آورده شده است. از طرفی توجه ویژه تیموریان به شعائر شیعی نظیر مرقد امام هشتم علیه‌السلام و تکریم سادات توسط آنان، باعث شد تا به تفکر مبتنی بر عقاید شیعه در این دوران بیش‌تر از گذشته توجه شود. در کنار این عوامل، روی کار آمدن حکومت‌هایی با ایدئولوژی شیعی نظیر سربداران و مرعشیان و هم‌چنین تلاش علمایی مانند فاضل مقداد، علی بن یونس بیاضی، ابن‌فهد حلی، ابن‌ابی‌جمهور احسایی و محقق کرکی در گسترش مفاهیم شیعی، سبب پایه‌گذاری حکومت صوفی - شیعی صفویه و اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران در ابتدای قرن دهم هجری گردید.

فهرست منابع

الف. کتاب

۱. ابن الفوطی، کمال‌الدین ابوالفضل عبدالرزاق، تلخیص مجمع الآداب فی معجم الالقاب، بیروت: مؤسسه الطباعة و النشر، ۱۹۶۲م.
۲. ابن عربشاه، احمد (۸۵۴ق)، زندگی شگفت‌آور تیمور، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۹.
۳. امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، ج ۶، بیروت، بی‌نا، بی‌تا.
۴. بارتولد، واسیلی ایوانوویچ (۱۹۳۰م)، الغ بیگ و زمان وی: امپراتوری مغول و دولت جغتایی، ترجمه حسین احمدی‌پور، تبریز: چهر، ۱۳۳۶.
۵. بکری، احمد بن عبدالله، سیره نبوی ﷺ؛ ترجمه پارس‌ی ذرو العلیا فی سیره المصطفی ﷺ، ترجمه بهاء‌الدین کازرونی، تصحیح رسول جعفریان، تهران: نشر علم، ۱۳۸۸.
۶. بویل، جی آ، تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخان، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۷. بیانی، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
۸. پارسا، خواجه‌محمد (۸۲۲ هـ. ق)، فصل الخطاب لوصول الاحباب، تحقیق جلیل مسگرنژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
۹. ترکمنی‌آذر، پروین، تاریخ سیاسی شیعیان اثنا عشری در ایران، قم: انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۹۰.
۱۰. جامی، عبدالرحمان (۸۷۱ق)، شواهدالنبوه، به کوشش سیدحسن امین، تهران: میرکسری، ۱۳۷۹.
۱۱. جعفریان، رسول، تاریخ ایران اسلامی (از یورش مغولان تا زوال ترکمانان)، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۷.
۱۲. _____، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران: نشر علم، ۱۳۸۷.
۱۳. _____، صفویه در عرصه دین، ج ۱، فرهنگ و سیاست، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.

۱۴. حسینی تربتی، ابوطالب، *تزوکات تیموری*، چاپ اول، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۴۲.
۱۵. خنجی اصفهانی، فضل‌الله، *وسيلة الخادم الى المخدم*، به کوشش رسول جعفریان، قم: نشر انصاریان، ۱۳۷۵.
۱۶. خواندمیر، غیاث‌الدین (۹۴۳ق)، *تاریخ حبیب‌السیر*، ج ۳، با مقدمه جلال‌الدین همایی و زیر نظر دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران: کتاب‌فروشی خیام، ۱۳۳۳.
۱۷. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: نگاه اول، ۱۳۸۲.
۱۸. رویمر، هانس روبرت، *ایران در راه عصر جدید*، ترجمه آذر آهنچی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۱۹. سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۸۸۷ق)، *مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین*، تصحیح محمد شفیع لاهوری، لاهور: بی‌نا، ۱۳۸۳ق.
۲۰. کامل الشیبی، مصطفی، *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قرآگوزلو، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۴.
۲۱. مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۲۲. میرجعفری، حسین، *تاریخ تیموریان و ترکمانان*، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۷۹.
۲۳. ناصری داوودی، عبدالمجید، *تشیع در خراسان عهد تیموری*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، ۱۳۷۸.
۲۴. نطنزی، معین‌الدین، *منتخب‌التواریخ*، به تصحیح ژان اوین، تهران: کتاب‌فروشی خیام، ۱۳۳۶.
۲۵. واعظ کاشفی، ملاحسین (۹۱۰ق)، *روضه‌الشهدا*، ج ۱، به تصحیح عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم: نشر نوید اسلام، ۱۳۸۲.

ب. مقالات

۱. توران، امداد، «اعتقادنامه‌های امامیه»، نشریه *هفت آسمان*، ۱۳۹۰، شماره ۵۲.
۲. جدیدی، ناصر، «تشیع و تصوف از وگرای تا هم‌گرایی»، *پژوهشنامه تاریخ*، ۱۳۹۵، شماره ۴۲.

۳. حسین پور، سیدعلی، «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در نیمه نخست قرن نهم هجری»، مجله تاریخ در آینه پژوهش، ۱۳۸۶، شماره ۱۶.
۴. دانش پژوه، محمدتقی، «نقد کتاب کشف الحقایق»، مجله فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۴، شماره ۱۳.
۵. رفیعی، امیر تیمور، «سیاست مذهبی امیر تیمور گورکانی»، نشریه ایران‌شناسی، ۱۳۷۵، شماره ۱.